

آزار کلامی نسبت به کودکان نابینا در بین والدین آنها

احمد آرامون^{۱*}، علی شیخ‌الاسلامی^۲، نسترن سیداسماعیلی قمی^۳

^۱دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی ahmad8612@gmail.com

^۲دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی

^۳دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

آزار کلامی به عزت نفس کودک و نوجوان صدمه زده و رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی او را دچار آسیب می‌کند. حضور چنین آسیب‌هایی در دوران کودکی می‌تواند به الگوی منفی نیرومند در روابط بین فردی تبدیل شود. هدف از پژوهش حاضر مقایسه‌ی میزان شیوع آزار کلامی نسبت به دانش‌آموزان نابینا و عادی در بین والدین‌شان بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش عبارت بود از کلیه‌ی دانش‌آموزان نابینا و عادی مقطع دبیرستان شهر تهران که از میان آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۴۰ دانش‌آموز نابینا و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای ۴۰ دانش‌آموز عادی، به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه آزار کلامی استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان داد که بین دو گروه از لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود دارد، بدین معنی که میزان شیوع آزار کلامی نسبت به دانش‌آموزان نابینا از سوی والدین‌شان بیشتر از دانش‌آموزان عادی بود. با توجه به میزان شیوع بالای آزار کلامی نسبت به دانش‌آموزان نابینا در بین والدین‌شان، می‌توان گفت که وجود این رفتار منفی، می‌تواند منجر به کاهش عزت‌نفس، خودتحقیری، ناامیدی و افت تحصیلی این دانش‌آموزان شود.

کلید واژه‌ها: آزار کلامی؛ دانش‌آموزان نابینا؛ والدین

مقدمه

آزار کلامی به استهزا کردن، برچسب زدن، لقب دادن و کوچک کردن دائمی و ثابت اشاره دارد و به دلیل آن که با علائم جسمانی آشکار همراه نیست، به سختی آشکار و ثابت می‌شود (فری، ۲۰۰۷). آزار کلامی به عنوان نوعی طرد، انتقاد، تهدید، ایجاد ترس و خشونت مطرح شده است که بر عزت نفس طرف مقابل تاثیر منفی می‌گذارد و باعث فرسوده شدن شخص می‌گردد. آزار کلامی معمولاً به صورت حملات کلامی شامل کوچک نمودن، سپر بلا قرار دادن و طرد کردن می‌باشد. این نوع آزار، چون با دیگر اقسام آزار همراه می‌باشد، به سختی قابل شناسایی است. آزار کلامی به عزت نفس کودک و نوجوان صدمه می‌زند و رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی او را نیز دچار آسیب می‌کند. حضور چنین آسیب‌هایی در دوران کودکی می‌تواند به الگوی نیرومند منفی در روابط بین فردی تبدیل شود و ممکن است منجر به احساس منفی درباره خود، ارتباط و کارکرد اجتماعی ضعیف، عزت نفس پایین، و استفاه از راهبرد های مقابله‌ای نامناسب، شود (باکر، ۲۰۰۵). شیوع آزار کلامی نسبت به کودکان استثنایی که آسیب‌پذیرتر هستند، هنوز نامشخص می‌باشد و تحقیقات بسیار کمی در این زمینه وجود دارد.

یکی از انواع دانش‌آموزان استثنایی، کودکان نابینا می‌باشند. با توجه به واکنش‌های اولیه این گروه در خانواده بعد از تولد و اهمیت آن، مسائلی مانند دورافتادگی فرزند، عدم تعامل والد با فرزند، عدم دلبستگی مناسب والد و فرزند و ... مطرح است که این امر به شدت معلولیت وابسته می‌باشد. و منجر به بروز آزار کلامی نسبت به این کودکان می‌شود. وجود فردی نابینا مخصوصاً اگر فرزند آن خانواده باشد، تعادل آن خانواده را به هم می‌زند و مانع پویایی خانواده می‌شود. همچنین خانواده نیز با نگرش مردم و اطرافیان و فشار جامعه به خاطر فرد معلول، تحت فشار قرار می‌گیرند (هالاها و کافمن، ترجمه علیزاده، صابری، هاشمی و محی‌الدین، ۱۳۹۰). با نگاهی ساده به درون خانواده مشاهده

خواهد شد که نایبایی مانع ارتباط اجتماعی بین اعضای خانواده است و فرزندان نابینا از تعامل با والد، تماس چشمی و پاسخ متقابل والدین، محروم می‌مانند و دچار آزار کلامی می‌شوند (نامنی و همکاران، ۱۳۸۱).

آمران و همکاران (به نقل از قماشچی، ۱۳۸۷) عوامل سهیم در کودک آزاری خانواده‌هایی که اعضای معلول در آن وجود دارد را چنین بیان می‌کنند که گسیختگی دلبستگی والد و فرزند، فشار ناشی از مشکلات به وجود آمده و رفتار دشوار کودک و افزایش مشکلات مربوط به محدودیت ارتباطی و شناختی از عوامل اصلی هستند. افراد نابینا به دلیل ویژگی‌های خاص و دریافت خدمات متفاوت سازگاری متفاوتی را نیز دارند که عاملی است که والدین نتوانند به صورت مناسب و مطلوب با فرزند سازگاری داشته باشند (نامنی و همکاران، ۱۳۸۱).

با نگاه به خانواده‌ای که یک کودک با نیازهای خاص دارند، معلوم می‌شود که چنین خانواده‌ای دچار استرس، افسردگی و ... می‌شوند که این امر می‌تواند دلیلی برای آزار کلامی آنها باشد (گیب، ۲۰۰۲). همچنین کودکان نابینا به دلیل دریافت نکردن اطلاعات کامل از محیط باعث می‌شوند که سوء تفاهماتی را در ارتباط با طرف مقابل در روابط بین فردی ایجاد کنند که خود شاید عاملی برای ارتباط ناصحیح باشد (شریفی‌درآمدی، ۱۳۷۹). همچنین امکان دارد که خانواده تحت تاثیر گروه‌ها به دنبال رقابت و تظاهر باشند که برابر است با برچسب زدن به فرزند خود و آزار رساندن به آنها. با توجه به مسائلی که مطرح شد، سوالی که در اینجا پیش می‌آید این است که آیا بین میزان شیوع آزار کلامی از سوی والدین نسبت به دانش‌آموزان نابینا و عادی تفاوتی وجود دارد یا نه؟

روش

شرکت‌کنندگان و طرح پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی می‌باشد. جامعه‌ی آماری این پژوهش را کلیه‌ی دانش‌آموزان پسر نابینا و عادی مقطع دبیرستان منطقه پنج شهر تهران تشکیل می‌دهند که در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ مشغول به تحصیل بودند. از بین دانش‌آموزان نابینا با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۴۰ نفر و از بین دانش‌آموزان عادی با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای ۴۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزار

ابزار مورد استفاده در این پژوهش عبارت بود از پرسشنامه آزار کلامی که توسط میرخان (۱۳۸۸) ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۲۸ سوال می‌باشد. پاسخ‌ها بین ۰ تا ۴ درجه‌بندی (هرگز: ۰، بندرت: ۱، گاهی: ۲، اغلب: ۳، و همیشه: ۴) می‌شوند. فردی که نمره ۲۲/۵ به بالا را کسب کند واجد قرار گرفتن در گروه آزار دیده کلامی می‌باشد. روایی این پرسشنامه توسط متخصصان حوزه روانشناسی مورد تایید قرار گرفته و اعتبار آن با استفاده از روش آلفای کرنباخ ۰.۹۵ به دست آمده است (میرخان، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر نیز اعتبار این پرسشنامه از طریق روش آلفای کرنباخ ۰.۹۲ بود.

شیوه اجرا

به دلیل محدودیت برای حضور در مدارس نابینایان، محقق در خوابگاه دانش‌آموزان پسر نابینا حاضر شد و از آنجایی که دانش‌آموزان نابینا قادر به پرکردن پرسشنامه نبودند، سوالات پرسشنامه به صورت شفاهی برای آنها خوانده شد و به منظور حفظ حریم خصوصی پاسخ‌دهندگان، پرسشنامه‌ها به صورت تک‌تک به اجرا درآمد. برای جمع‌آوری اطلاعات از دانش‌آموزان عادی نیز محقق با حضور در مدارس از دانش‌آموزان کلاس‌های انتخاب شده خواست تا پرسشنامه‌ها را پر کنند.

نتایج

جدول ۱. آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرها

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
نابینا	۴۰	۲۵.۶۵	۷.۷۴
عادی	۴۰	۲۰.۰۵	۶.۵۱

پس از تایید مفروضه همگنی واریانس‌ها با استفاده از آزمون لوین، نتایج آزمون t مستقل نشان داد که بین میانگین آزار کلامی اعمال شده نسبت به دانش‌آموزان نابینا و عادی تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/05$ و $t_{(78)} = 3/5$). بدین معنا که دانش‌آموزان نابینا نسبت به دانش‌آموزان عادی، آزار کلامی بیشتری را از سوی والدین‌شان دریافت می‌کنند.

بحث

پژوهش حاضر به منظور مقایسه‌ی میزان شیوع آزار کلامی نسبت به دانش‌آموزان نابینا و عادی در بین والدین‌شان صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که بین میانگین آزار کلامی دانش‌آموزان نابینا و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که دانش‌آموزان نابینا نسبت به دانش‌آموزان عادی، آزار کلامی بیشتری را از سوی والدین‌شان دریافت می‌کنند. در تبیین این یافته می‌توان گفت تعارضاتی که کودکان نابینا با خانواده دارند، می‌تواند عاملی برای پرخاشگری کلامی نسبت به این افراد باشد (کشاورزی، ۱۳۸۴). همچنین کودکان نابینا خود را به خاطر معلولیت مقصر می‌دانند و مسائل را به نابینایی خود نسبت داده و رفتار والدین مبنی بر دید پایین به این افراد باعث می‌شود علائق و نگرش این دانش‌آموزان مد نظر قرار نگیرد و مورد آزار کلامی قرار گیرند و عاملی برای دلسرد شدن این دانش‌آموزان باشد (افروز، ۱۳۹۱).

بعلاوه، شرایط والدین، خواهر و برادرها که تحت تاثیر معلولیت فرزند خود قرار گرفته‌اند باعث آسیب رساندن به کودک می‌شود و این عوامل باعث ظهور آزار کلامی بیشتر در خانواده این دانش‌آموزان می‌شود. آزار کلامی به طور کلی با رفتارهای پرخاشگرانه، اختلال شخصیت، و بی‌ثباتی هیجانی در رابطه است (کرومی، ۲۰۰۷). آزار کلامی باعث کاهش حس امنیت در کودک شده و خطر کاهش اعتماد به نفس را ایجاد می‌کند و عامل اختلال سازگاری اجتماعی فرد می‌باشد (الیس، ۲۰۰۶).

بنابراین می‌توان گفت اعمال آزار کلامی از سوی والدین نسبت به دانش‌آموزان می‌تواند پیامدهای منفی از قبیل کاهش عزت‌نفس، خودتحقیری، ناامیدی، افت تحصیلی و ... را در پی داشته باشد. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به نوع پژوهش اشاره کرد که باعث می‌شود تا ما نتوانیم به رابطه‌ی علت و معلولی بین متغیرها دسترسی پیدا کنیم.

منابع

- افروز، غلامعلی. (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی*. تهران: دانشگاه تهران.
- شریفی‌درآمدی، پرویز. (۱۳۷۹). *روانشناسی و آموزش کودکان نابینا*. تهران: گفتمان خلاق.
- کشاورزی، محمد. (۱۳۸۴). *مسائل نوجوانان و جوانان*. تهران: نشر روزبهان.
- میرخان، منیره. (۱۳۸۸). *بررسی رابطه آزار کلامی والدین و اختلال رفتاری دختران مقطع تحصیلی راهنمایی شهرستان کرج*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده. دانشگاه علامه طباطبایی.
- نامنی و همکاران. (۱۳۸۱). *توانبخشی کودکان نابینا*. تهران: سمت.

هالاها، دانیل، و کافمن، جیمز. (۱۳۹۰). دانش‌آموزان استثنایی: مقدمه‌ای بر آموزش ویژه (ترجمه حمید علیزاده، هائیده صابری، زانت هاشمی، و مهدی محی‌الدین). تهران: ویرایش.

Baker, H. (2005). child abuse. *Journal of Mental Health*. 21, 311- 320

Cromie, W. j. (2007). verbal beating hurt as much as sexual abuse. *journal of mental health*.

Elish, J. (2006). verbal abuse triggers adult anxiety, depression. public released

Fery, R. (2007). Abuse encyclopedia of mental disorders.

Gibb, B. E. (2002). Childhood maltreatment and negative cognitive styles. A quantitative and qualitative review. *Journal of Clinical Psychology Review*. 22, 223–246.

Archive of SID